

ادامه از صفحه ۲

کاهش هزینه‌های مدیریت شهری با افزایش سرمایه اجتماعی

ادامه از صفحه ۱

معرفتی متعلق به افراد است. جایی که افراد از ماهیت مسائل اجتماعی آگاه نمی‌شوند یا ابزارهای موجود برای جوابگویی به این مشکلات بی‌خبرند، فرصت‌های مشارکت اجتماعی پایین‌تر خواهد بود.

در واقع سرمایه اجتماعی از طریق کنش مبتنی بر آگاهی و شناخت متقابل حاصل می‌شود و محصول تلاش پایان‌ناپذیری است که برای نهادینه کردن ارزش‌هایی که در تولید و بازتولید روابط پایدار و سودمند منافع مادی یا معنوی گروه را تأمین می‌کند، صورت می‌گیرد و حاصل اعتماد و تعامل متقابل، احساس هویت جمعی و گروهی و وجود تصویری مشترک از آینده است.

اعتماد همکاری میان افراد را تسهیل می‌کند و همکاری نیز اعتماد ایجاد می‌کند. اعتماد مستلزم پیش‌بینی رفتارهای طرف مقابل است. در جوامع کوچک و به هم پیوسته این پیش‌بینی بر اساس اعتماد صمیمانه صورت می‌گیرد؛ یعنی اعتماد به آشنایی‌های نزدیک افراد بستگی دارد اما در جوامع بزرگ‌تر اعتماد غیرشخصی ضرورت دارد. متأسفانه تعریفی دقیقی از معنای واژه اعتماد وجود ندارد و با توجه به موضوع ما داشتن انتظارات مطمئن نسبت به فرد یا سازمان (فرهنگ انگلیسی آکسفورد) بهترین تعریف باشد.

واژه مشارکت به معنای درگیری و تجمع برای منظوری خاص می‌باشد. در مورد معنی لغوی آن بحث‌های فراوانی وجود دارد ولی در مجموع می‌توان جوهره اصلی آن را درگیری، فعالیت و تأثیرپذیری دانست.

مشارکت اجتماعی را می‌توان فرآیند سازمان یافته‌ای دانست که از سوی افراد جامعه به صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی با در نظر داشتن هدف‌های مشخص برای سهم شدن در منابع قدرت انجام می‌گیرد. شهود چنین مشارکتی، وجود نهادهای مشارکتی، انجمن‌ها، گروه‌ها، سازمان‌های محلی و غیردولتی است.

از دیدگاه جامعه‌شناختی بین مشارکت به معنی حالت یا وضع مشارکت به عنوان عمل و تعهد (عمل مشارکت) تفاوت وجود دارد.

مشارکت در معنای دوم از تعلق به گروه خاصی داشتن و سهم داشتن در هستی آن خبر می‌دهد و معنای شرکت فعالانه در گروه

را می‌رساند و به فعالیت اجتماعی انجام شده، نظر دارد مشارکت در عرصه مدیریت شهری به هر دو معنی به کار می‌رود؛ مفهوم اول مشارکت کردن را می‌توان مختص به همکاری بخش خصوصی با شهرداری دانست و در مفهوم دوم یعنی مشارکت فعال در همکاری بخش مردمی با شهرداری تعریف نمود.

افزایش سرمایه اجتماعی سبب پایین آمدن جدی سطح هزینه‌های عملیاتی سازمان‌ها برای اداره جامعه می‌شود زیرا که با جلب مشارکت و همیاری‌های مردمی، هزینه‌های ارایه خدمات، تبادلات و تعاملات سازمان‌های شهری گوناگون مانند بازسازی بافت‌های فرسوده، حفظ و مراقبت از امکانات و تجهیزات شهری، پاکیزگی و زیباسازی محلات، تفکیک پسماند از مبدأ، توسعه فضای سبز، کنترل و نظارت از راه سلسله مراتب و مقررات بوروکراتیک را در حد قابل توجهی کاهش می‌دهد و این نشانگر نقش بسیار مهم‌تر سرمایه اجتماعی از سرمایه فیزیکی و انسانی در جوامع شهری است (یعنی سطح اعتماد از حد فردی به سطح اجتماعی انتقال یافته و شهروندان و مدیران شهری به یکدیگر اعتماد دارند)

عضویت در نهادهای مدنی نظیر انجمن‌های صنفی، حرفه‌ای، شوراهای شهری و محلی، کتابخانه‌ها، انجمن‌های علمی، ورزشی، هنری، اجتماعی و گروه‌های حامی محیط‌زیست، انجمن‌های تجاری و ... را می‌توان یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی دانست.

حضور افراد در نهادهای اجتماعی سبب پرورش و توسعه فرهنگ‌های صنفی و حرفه‌ای شده و ضمن ایجاد سطح بالاتری از مشارکت و تعلق اجتماعی، موجب تسریع و کاهش بسیاری از هزینه‌های توسعه شهری می‌شود.

مدیران شهری می‌توانند با حمایت موثر از سازمان‌های غیردولتی در افزایش تعلق خاطر شهروندان به هنجارهای زندگی شهری، ارتقای سطح اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی گام‌های موثرتری بردارند.

شهرهای دارای سرمایه اجتماعی مناسب با ویژگی‌های زیر شناخته می‌شوند:

- ✓ رشد و توسعه متوازن
- ✓ جریان آزاد اطلاعات
- ✓ تراکم تعاملات اجتماعی، فرهنگی و نظم اجتماعی پویا

✓ اعتماد عمومی، نهادی، بین بخشی و تعمیم یافته با درصد بالا

✓ هنجارهای مناسب و تسهیل کننده فعالیت‌های جمعی، مدنی، همیاری اجتماعی مادی و فرامادی

✓ تعامل و همکاری متقابل بین بخش‌های عمومی، دولتی و خصوصی

✓ پایبندی مسئولین شهری به ارزش‌های اخلاقی مثبت چون پاسخگویی، تعهد، صداقت، تلاش، آینده‌گرایی و عام‌گرایی

✓ شهروندی فعال که مستلزم دو عنصر اخلاق، مسئولیت و تعهد نظری و عملی بین شهروندان و آگاهی از حقوق خویش و دیگران (آشنایی با حقوق شهروندی)

✓ کیفیت محیطی بالا و به تبع آن رضایت محیطی و تعلق و تعهد مکانی و اجتماعی در شهروندان که سبب تعریف هویت فراجمعی به واسطه محیط زندگی شود

✓ تعاملات بین نسلی، قومیتی و مذهبی

✓ مدارای اجتماعی و به رسمیت شناختن تنوع فرهنگی

✓ مدیریت شهری مشارکتی و پرهیز از مدیریت متمرکز

با توجه به اهمیت سرمایه اجتماعی در برنامه‌ریزی‌های شهری، توجه به این موضوع در توسعه پایدار شهری بسیار موثر است.

راهکارهایی برای تعالی مدیریت شهری با استفاده از افزایش سرمایه اجتماعی وجود دارد که در مقالات بعدی به آن پرداخته خواهد شد.

منابع

۱. مسین کما سی، سیحعلی مسینی (۱۳۹۳) تبیین رابطه عملکرد مدیریت شهری و سرمایه اجتماعی شهروندان مجله علمی- پژوهشی برنامه ریزی فضایی (مغرافیا) سال چهارم، شماره سوم پاییز ۹۳
۲. امیرمسین فرزند - سرمایه اجتماعی و کارکرد آن در توسعه و مدیریت شهری ارائه شده در روزنامه شهرآرا
۳. فرهاد فرهنگ فر- اهمیت توسعه سرمایه اجتماعی در مدیریت نوین شهری وبلاگ شفصی <http://www.farhangfar.blogfa.com/post-23.aspx>

غیرطبیعی را با افزایش حمایت‌های اجتماعی عاطفی و روانی کاهش می‌دهد و احساس امنیت را نیز تقویت می‌کند.

مازلو انسان سالم را انسان خواستار تحقق خود (خودشکوفایی) می‌داند. شرط دستیابی به خودشکوفایی را تأمین نیازهای جسمانی یا فیزیولوژیک تا ایمنی، محبت، احساس تعلق خاطر و در نهایت نیاز شکوفایی می‌داند. به نظر او درجه تأمین نیازهای اساسی با درجه سلامت روانی همبستگی مثبتی دارد و ناتوانی در تأمین نیازها و توانایی‌ها موجب بیماری افراد می‌شود.

مازلو ویژگی‌هایی برای افراد خودشکوفابرشمرده از جمله واقعیات را به خوبی درک می‌کنند و قادرند شرایط مبهم را تحمل کنند، خود و دیگران را همان‌طور که هستند قبول می‌کنند، بسیار خلاق‌اند و به سادگی همرنگ جماعت نمی‌شوند و عمدتاً نیز علیه آداب و رسوم رفتار نمی‌کنند، با همه انسان‌ها عمیقاً احساس همدلی و محبت می‌کنند و به شادکامی آن‌ها علاقمندند، بیش‌تر مسئله مدارند تا خودمدار، به رضایت دیگران متکی نیستند و توانایی مقابله با فشارهای اجتماعی را دارند اما این به معنای طغیان یا نادیده انگاشتن قوانین اجتماعی نیست.

بررسی بین ساختارهای هرم مازلو و مولفه‌های سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد که هر اندازه سرمایه اجتماعی بالاتر باشد سطح سلامت‌مداری رشد بیش‌تری خواهد داشت.

پس راهی جز اعتماد به یکدیگر و شکل‌دهی پیوندها و ارتباطات اجتماعی برای ارتقای همه جانبه فرهنگ - که بهداشت و سلامتی یکی از جنبه‌های آن است- نداریم باید با هم دست به کار شویم.

دنایای امروزی پر است از بیماری‌های صعب‌العلاج و قریب‌الوقوع که در بسیاری از موارد، با همه ترسناکی و هولناکی‌شان در به کام مرگ کشیدن عزیزان‌مان، دیگر برایمان عادی شده‌اند و این عادی شدن سبب ترس و نگرانی بیش‌تری است.

بیماری نتیجه رفتار غیربهداشتی است و در ارتقای سطح بهداشت چیزی پایدارتر و موثرتر از آموزش و فرهنگ‌سازی نیست؛ وقتی سطح سرمایه اجتماعی جامعه بالا باشد فرهنگ‌سازی و آموزش نتیجه بخش‌تر خواهد بود و سرمایه اجتماعی شکل نمی‌گیرد مگر اینکه به هم اعتماد کنیم، مسئولیت‌پذیر باشیم و در قالب گروه‌ها و شبکه‌ها به کار داوطلبانه و ارایه خدمت بپردازیم.